

دکتر علی قائمی

خلاصه‌های تحقیقاتی تربیتی

و اینک چه باید کرد؟

آری، ماجرا به گونه‌ای بود که مطرح شد، اما فعلاً سخن این است که در برابر دشواریهای موجود چه باید کرد؟ و چه می‌توان کرد؟ در پاسخ به این سؤالات باید به دو جنبه توجه کرد:

۱- تهاجم‌ها

۲- تهاجم‌پذیران

در مورد تهاجم‌ها ما را سه راه بیش نیست:

۱- خشکاندن ریشه تهاجم و براندازی آن در عرصه بین‌المللی که ظاهراً در عصر ما و در شرایط موجود، ما را قدرت و توان آن نیست.

در بخش نخست این مقاله مسأله تهاجم فرهنگی و علل آسیب‌پذیری نسل جوان امروز مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این شماره، نویسنده به راههای برخورد با مشکلات موجود می‌پردازد.

سازمانهایی چون رادیو و تلویزیون، سینما، ورزشگاهها و باشگاهها، مساجد و منابر، سازمانهای ارشادی و تبلیغی کشور، روزنامهها و مجلات، سازمانهای خبری و مؤسسات اندیشه‌ساز و اندیشه‌پرور مثل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مساجد و منابر، حسینیه‌ها و ... می‌باشد و اگر قصور و تقصیری در تربیت باشد، ناشی از همه آنهاست و دامنه مسؤلیت، دامن همه آنها را می‌گیرد، اگرچه خانواده در پیشگاه خدا و مردم، و در میزان عقل و وجدان از همه مسؤولتر است.

خانواده در طریق پرکردن خلاءهای تربیتی گفتیم که جبهه دیگر قضیه، تهاجم‌پذیران هستند که اساس و مبنای تهاجم‌پذیری آنان وجود خلاءهای تربیتی در خانواده‌هاست. می‌خواهیم ببینیم خانواده در مسیرمقابله با تهاجم‌پذیری نسل جوان و در رفع این مشکل از چه راهی باید به پیش رود و چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد.

کار و تلاش خانواده‌ها در این عرصه در دو خط و دو گونه اقدام قابل بررسی است:

- ۱- در خط درمان درد و چاره‌سازی برای حل و رفع مشکل
 - ۲- در خط پیشگیری و انسداد راه ورود فرهنگ مهاجم به خانه و در واقع مقاوم‌سازی نسل جوان.
- در حقیقت از یک سو باید برای نجات گرفتاران و مشکل‌داران اقدام کرد، و از سوی دیگر برای جلوگیری از نفوذ و توسعه مفاسد و بازداري نسل جدید از پیوستن به جرگه‌های فساد و افزایش سطوح آماری آنان در جامعه تلاش نمود.

اگرچه آرزوی آن را در دل می‌پرورانیم و بر اساس وعده‌های قرآنی و بشارت‌های روایی معتقدیم که این امر در نهایت شدنی است (مسأله انتظار ظهور).

۲- قطع ریشه‌های تهاجم در داخل کشور

این امر تا حدود زیادی امکان‌پذیر است، به شرطی که همگان از دولت و ملت دست به کار باشند و برای آن برنامه‌ای اندیشیده، با تأمین ضمانت اجرایی فراهم کنند.

در طریق وصول به این مقصد، مهم این است که ورودی و خروجی کشور تحت کنترل و نظارت باشد و همین نکته در ارتباط با خانه و مدرسه رعایت شود. عوامل خنثی‌کننده فعالیت خصم، نیکو شناخته و بررسی گردد، تا ببینیم با چه شیوه و روشی در این زمینه باید کار کرد و به پیش رفت.

البته در شرایط موجود این کاری است که دولت در پی آن است و برنامه‌ریزی‌ها و اقداماتی دارد، ولی انجام آنها مساعدت و همگامی و خواستاری مردم را بیشتر می‌طلبد و خانواده‌ها نیز در این زمینه باید حرکتی داشته باشند.

۳- مقاوم‌سازی نسل در برابر توطئه‌ها و قطع

زمینه‌های تهاجم‌پذیری در خانه و مدرسه که امری است قطعاً شدنی و نتیجه‌بخش و این در اختیار خانواده و در حیطه برنامه‌ریزی انجمن اولیاء و مربیان، صدا و سیما و دستگاههای تربیتی و تبلیغی کشور است.

یادآوری این نکته ضروری است که غرض ما از دستگاه تربیتی تنها وزارت آموزش و پرورش نیست، بلکه این عتوان در برگرفته

یاران و یاوران پیامبراند. تجربه تاریخ نشان داده است که طرفداران واقعی پیامبران اندک بودند و جمعیت حزب شیطان بیشتر بوده است.

۳- خانواده‌های گرفتارتر: باید بررسی کرد که چه خانواده‌هایی بیشتر گرفتار مسئله تهاجم فرهنگی هستند و سقوط نسل در چه خانواده‌هایی بیشتر است؟ پاسخ این سؤال به نظر ما روشن است، خانواده‌هایی که: دچار ضعف تربیتی هستند و توان مقابله با تهاجم‌ها را ندارند. خانواده‌هایی که بی در و پیکر و بی حفاظند، خانواده‌های مسئولیت‌گریز و نابسامان و آنها که در امر تربیت نسل آگاهی و احساس مسئولیتی ندارند.

آری بررسی‌ها نشان می‌دهند که سقوط در خانواده‌هایی بیشتر بود که در آن: خطی‌اندیشیده برای تربیت وجود نداشت، یا اگر خطی بود، مورد رعایت و عمل نبود، محتوا و روش‌اندیشیده‌ای در آنها تعقیب نمی‌شد، شعار والدین این بود: "بگذار هر چه می‌خواهند بکنند." و خلاء سازندگی و هدایت و هدفداری در آنها مشاهده می‌شد.

ماهیت انحرافات: آری، باید دید ماهیت انحرافات چیست؟ آیا ماهیت انحرافات و خلاءها، سیاسی است؟ اقتصادی است؟ تربیتی است؟ معنوی است؟ و... آیا نسل ما به علت فقر مادی گرفتار فساد است؟ یا به علت فقر اخلاقی و معنوی؟ و یا به علت فقر عاطفی و ذهنی؟ و...

بسررسی‌ها نشان می‌دهد که ماهیت انحرافات از دیدی سیاسی است و می‌بینیم که دشمن به انهدام ما کمر بسته و در پی براندازی

در جنبه چاره‌سازی. در زمینه چاره‌سازی‌ها چه باید بکنیم؟ پاسخ تفصیلی این پرسش در حیطه این بحث نیست، اما به گونه‌ای مختصر خطوط اقدامی، عرضه می‌شوند. البته بدیهی است که هر مشکل را از همان راهی باید چاره کرد که پدید آمده است و هر سبلی را باید از جایی جلوگیری کرد که از آن سرچشمه گرفته است. تبلیغ و شعاردهی راه سبیل را نمی‌بندد، بلکه باید اقداماتی اساسی و علنی داشت. اهم اقداماتی که در این عرصه قابل ذکر است. عبارتند از:

شناخت خلاءها: در خانواده‌ها چه خلاءهای چشمگیری در ارتباط با نسل جوان وجود دارد؟ چه کمبودهایی در خانواده سبب سرگشتگی و گمراهی نسل است؟ چه خلاءهایی نسل ما را به این وضع و صورت کشانده است؟ نارسایی‌های تربیتی خانواده‌ها کدامند؟...

۲- میزان و رقم آن در جامعه: لغزش‌ها و انحرافات ناشی از خلاءهای تربیتی در جامعه در چه سطح و وسعتی هستند؟ آمار آنها چقدر است؟ سهم پسران و دختران در این آمار به چه حد و میزان است؟ توزیع آن در سطح کودک، نوجوان و جوان چگونه است؟

ممکن است آمار آنان اندک باشد، ولی والدین و مربیان نباید بدان دلخوش و راضی باشند. بدان خاطر که آلودگی‌ها سریعاً زاد و ولد می‌کنند. بر دامنه آنها به سرعت افزوده می‌گردد و در اندک مدتی فراگیر می‌شوند، و این خلاف پاکیها، عفاف‌ها و بسا پروا زیستن‌هاست. یاران و یاوران شیاطین بیش از

استفاده‌اند. ولی مشکل ما این است که برخی از آنها احتمالاً می‌توانند در دراز مدت جوابگو بوده، در حل و رفع دشواریها چاره‌ساز و راه‌گشا باشند. ولی اگر بنا بر درمان جدی درد است، نیاز به یک انقلاب و جراحی تربیتی است.

انقلاب تربیتی چیست؟
آری، باور ما این است که در شرایط موجود جامعه ما نیاز به یک انقلاب تربیتی دارد، تا در سایه آن به تجدید فکر و سازندگی انسان اقدام کند. انقلاب تربیتی باید برای خانه و مدرسه طراحی گردد، و این کار پیامبران و در خط اول اقدامات ایشان بود.

بر اساس مستندات تاریخی، دوران سیزده ساله بعثت پیامبر در مکه، صرفاً دوره سازندگی



ماست. و از دید دیگر فرهنگی و تربیتی است و دشمن به اسم مدنیت و روشنفکری، به اسم تجدد و مدرنیسم بر ما می‌تازد و نسل ما را از طریق بی‌هویت کردن، روشنفکر جا می‌زند.

علل و عوامل آن

در گام دوم برای چاره درد، و پس از طی مراحل مقدماتی فوق باید از علل و عوامل انحرافات سر درآورد و دید که چه عواملی در این فساد و خلاء شرکت جسته‌اند؟ آیا علت آن ناشیگری در تربیت است؟ آیا علت جهل است؟ غفلت است؟ عدم مراقبت در آمد و شد نسل است؟ معاشرت است؟ فقر است؟ عوامل خارج از خانه است؟ و...

شناخت همبستگی‌ها

و در این زمینه باید دید چه همبستگی و ارتباطی بین معاشرت و انحراف وجود دارد؟ چه رابطه‌ای بین فیلم و تصویر و انحرافات و خلاءهاست؟ چه ارتباطی بین نوشته‌های موجود و تخلیه‌های ذهنی و روانی است؟ چه رابطه‌ای بین خلاءهای موجود و دستگاههای تبلیغاتی ماست؟ و بالاخره چه رابطه‌ای بین درس و مدرسه و خلاءها و انحرافات است؟

در جنبه اقدام

و اینک سخن این است که در شرایط موجود چه باید کرد؟ و از این دامی که دشمن برای ما پهن کرده و ما در اثر مسامحه و غفلت و جهل در آن افتاده‌ایم، چگونه باید رهایی جست؟

در این مورد راهها و نظریاتی قابل عرضه‌اند که هر کدام به نحوی ارزنده و درخور

بخشش است!!

۲- اعضای برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی باید با مشارکت همه اندیشمندان، مریبان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، فلاسفه، سیاسیون، مسؤولان نظم و انتظام کشور، مسؤولان اطلاعات، نمایندگان معلمان، نمایندگان روحانیان و مراجع عظام تقلید و علمای دینی صورت گیرد.

اصولاً در امر برنامه‌ریزی هر کس که صاحب فکر و رأی و نظر است، باید وظیفه خود بداند که رأی و دید و نظر خود را اعلام دارد، و مدیران برنامه‌ریز را هم وظیفه این است که از همه آنان رأی و نظر بخواهند.

ایجاد خواست در جامعه
پس از تهیه برنامه و آماده ساختن آن برای اجرا، باید در جامعه و در خانواده‌ها این خواست پدید آید که به قبول آن تن در دهند و آن را در حوزه مسؤولیت خود اجرا نمایند، و گرنه برای نفس برنامه‌ریزی ارزش و بهایی نخواهد بود.

در ایجاد این خواست و زمینه‌سازی برای باور و اجرا، همه سازمانها، ارگانها، و همه دستگاههای تبلیغاتی از صدا و سیما، منابر و مساجد و همه دستگاههای دست‌اندرکار تربیت، وظیفه و مسؤولیت ارشادی دارند، و این مسأله باید مسلم تلقی شود که تا مردم و خانواده‌ها نخواهند و در آنها این باور ایجاد نگردد که خود شخصاً باید در کار اصلاح و مقاوم‌سازی نسل باشند، هیچ چیز سامان نخواهد یافت.

بود و رسول خدا (ص) در شعب ابیطالب و بیرون آن به تربیت نسلی پرداخت که بنیان مرصوص داشت و مصداق این آیه شریفه قرآن بود که: **و لا تأخذ فی الله لومة لائم.**

البته چنان نبود که در عصر رسول خدا (ص) جاذبه‌های انحراف آفرین و تهاجم‌ها نباشد. و هم این چنین نبود که عوامل القایی و تبلیغی در ارتباط با منحرف کردن نسل از خط اسلام و به انحراف کشاندن آنها بیکار و فارغ باشند. بلکه نسل‌ها در سایه تربیت پیامبر مقاوم بودند و در برابر عوامل انحراف مقاومت و ایستادگی داشتند.

میزان مقاومت تا حدی بود که آن دختر کم سال به هنگامی که از پدر خود شنید، غسل اهدایی دشمن به قصد منحرف کردن اعضای خانواده و دور داشتن آنها از محبت علی و اهل البیت (ع) است، انگشت در حلق کرد و غسل را قی نمود. و امروز خلاء تربیتی خانواده‌ها این است که قادر نیست نسلی این چنین مقاوم بپروراند.

۱- برنامه‌ریزی: انقلاب تربیتی مورد بحث نیاز به برنامه‌ریزی جدید دارد، زیرا همه ما دیده و لمس کرده‌ایم که برنامه‌های قبلی کارآمد و نافذ و لااقل مبتنی بر واقعیت‌های موجود جامعه نبودند و حاصل تربیت ما همین است که می‌بینیم.

البته ما نمی‌گوییم که همه افراد جامعه و یا اکثریت نسل فاسدبار آمده‌اند، که این ادعا در واقع نوعی ناسپاسی نسبت به دست‌اندرکاران تربیت و خادمان واقعی جامعه است، بلکه می‌گوییم پاره‌هایی از پیکر ما فاسد شده و در معرض انهدام است و این یک ضایعه غیر قابل

اقدام عملی

کارهایی که باید در این عرصه به مرحله اجرا گذارده شود، عبارت است از:

۱- آموزش‌ها: غرض از آموزش والدین و مربیان در جهت سازندگی و تربیت و هدایت نسل، توجه دادن به مسؤلیت پدری و مادری و همسری، هشیار کردن والدین در مورد عوارض و خطرهایی که نسل ما را تهدید می‌کند، آموزش شیوه‌های چاره درد و آموزش راههای پیشگیری که محتوای آن در برنامه پیش‌بینی شده و مرزهای آن مشخص شده است، آموزش شیوه‌های پر کردن خلاءهای تربیتی در محیط خانه و مدرسه و آگاه کردن نسل به راه و رسم زندگی و شیوه انسانی زیستن است.

۲- پرورش‌ها: و در این زمینه پرورش ابعاد فکری، روانی، و ... افراد مطرح است که بخشی از خلاءهای تربیتی، ناشی از همین امر است. مسأله این است که ما زمینه‌های فکری و عاطفی افراد را چگونه پرورانیم و چگونه در آنان سازندگی ایجاد کنیم. برای طی این طریق و وصول به مقصود، ارائه الگو و استفاده از شیوه‌های عرضه الگوهای اسلامی، می‌تواند یک اصل و کارساز باشد. مهم این است که والدین و مربیان، مسؤولان و رهبران فکری و اجرایی جامعه الگوی عملی تفکری باشند که مدافع آنند. و همچنین در امر پرورش، اصل ملازمت و همراه کردن نسل حائز اهمیت است که در اسلام به آن سفارش بسیار شده است.

شیوه‌های عملی

در شیوه‌های درمانی برای تسلی که گرفتار چنان وضع و صورتی هستند، راههایی پیش‌بینی می‌شود که والدین و مربیان باید با آنها آشنا شده، از آثار آن بهره گیرند. به عبارت دیگر برای رشد و پرورش نسل و بازسازی فکری آنان باید به والدین آمادگی بخشید. این شیوه‌ها عبارتند از:

- آگاهی درمانی، مخصوصاً بدان خاطر که جهل آفتی عظیم در جامعه است و بسیاری از طعمه‌های آفات، بواقع از اهمیت فاجعه‌ای که گرفتار آنند غافلند و اگر بوجهی شایسته و نیکو در آن زمینه توجه شوند، دست از حالات و رفتار نابهنجار خود بر می‌دارند.

- رفتار درمانی که خود باب وسیعی را در اصلاح رفتار گشوده است و باید به کتابهای مربوط به این زمینه مراجعه کرد.

- تغییر محیط و محل، زیرا گاهی افراد مصیبت‌زده ما در محیطی خود را فاقد حیثیت می‌بینند و راه اصلاح را به روی خود مسدود می‌یابند. در این صورت اگر از آن محیط دل برکنند و خانواده به خاطر حفظ مصالح عالی‌تری تن به مهاجرت دهد، این امید هست که در محیط جدید برنامه خاص و اصلاحی را اجرا کرد. و یا برخی از افراد از شهر و دیار خود به محیط غریب وسیعی وارد می‌شوند و در آنجا تابع و اسیر گروههای فاسد می‌گردند، در حالی که اگر در شهر خود زندگی می‌کردند، چنان وضع و حالی برایشان مطرح نبود.

- دارو درمانی برای آنها که اختلالات رفتاری‌شان مخصوصاً در عرصه‌های غریزی است و دارای جنبه زیستی - جسمانی می‌باشد. - استفاده از شیوه‌ها و فنون مشاوره که خود



- نقد و انتقادهای ملایم، درس آموز، توأم با خیرخواهی و تفاهم در موارد ضروری.

- تلاش در جهت پاکسازی محیط خانه، مدرسه و جامعه از عوامل لوث و آلودگی.

- کوشش در جهت دور داشتن نسل از عوامل فساد آفرین و تحریک کننده.

- دادن عزت نفس و استقلال فکری به افراد در جهت خط‌داری و تعقیب هدف خود.

- اعلام علت‌ها و عوامل و انگیزه‌هایی که سبب بروز انحرافی ویژه در جامعه می‌شود.

- آموزش و پرورش نسل به درپیش گرفتن خط و راه قرآن و سنت که فقر خانواده‌ها و

جوانان در این عرصه چشمگیر است.

- اعمال شیوه‌های تربیتی (که از نظر علمی آن شیوه‌ها معین و مجرب است)، تا آدمی

مصدق آیه شریفه: «و ان تقوم‌الله مشی و فرادی ثم تتفکروا گردد.

- تسبیح حالت شخصیت‌زدگی و اکثریت‌زدگی که آن هم ناشی از جهل و

بی‌خبری و آفت‌زدگی شخصیت آدمی است - معیار را حق معرفی کنیم، نه شخص.

استفاده از عوامل منع

چه بسیار است عوامل منع و بازدارندگی که در تربیت و اصلاح نسل، در خانه و مدرسه و

حتی در جامعه می‌توان از آنها استفاده کرد، ولی باید به این نکته عنایت شود که پیش از منع‌ها

مراحل آموزش‌ها، پرورش‌ها و شیوه‌های اصلاحی باید به کار گرفته شود. آن عوامل عبارتند از:

- کنترل‌ها در خانه و مدرسه در امر آمد و

شده، معاشرت، واردات ذهنی، کار و بیکاری.

- منع‌ها به صورت خیرخواهانه در مواردی

باب جدیدی در این عرصه است، و نیز استفاده از شیوه‌های مجرب دیگر که عملاً اندک نیستند.

البته اعمال این شیوه‌ها زمانی پاسخ مثبت خواهد داد که در جنب آن به حل مشکلات فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پرداخته شود، بویژه قسمت اخیر که به نظر ما انحراف و آلودگی نسل در مواردی نوعی دهن‌کجی نسبت به نظام سیاسی است که برای آنها جا نیفتاده و نیکو توجیه نشده است.

تداوم راه برای مقاوم سازی

این نکته را فراموش نکنیم که انحرافات و اعتیادها اموری قابل بازگشت هستند. با اصلاح

و اقدامی یکباره و قول برگشت فرد از خط قبلی، نمی‌توان امید به اصلاح دائم او داشت.

چه بیاورند افرادی که روزی دست از انحرافی کشیده‌اند، اما به علت عدم تثبیت و تنفیذ خط

فکری ترک آن، مجدداً به همان وضع و حال دچار شده‌اند. به همین جهت در امر

مقاوم‌سازی، تکرار و تثبیت و تنفیذ خود اصلی است و برای آن باید اقدامات فرعی را انجام

داد:

- ایجاد و تنفیذ ایمان و باور، که ایمان، باوری قلبی و آمیخته با جان است و نقش

بازدارندگی آن از انحراف، همانند نقش پلیس همراه می‌باشد.

- افزایش آگاهی و اطلاع از حوادث و عوارض، از اعتقادات و مذهب، که جهل آفت

همه چیز است، از جمله شرافت و انسانیت و اخلاق.

- تأییدها در مواردی که تغییری اصلاحی، ولو به میزان اندک در زندگی فرد حاصل گردد.

پیش‌بینی اثربخشی و با تکیه بر شرایط روحی فرد.

- تأدیبات و تنبیه‌ها که باید بسیار آگاهانه، اندیشیده و مبتنی بر فکر و اندیشه اصلاحی مربی باشد و به عنوان آخرین ابزار به کار رود.

در جنبه پیشگیری

آنچه ذکر شد بیان درد بود و اشاره‌ای به راههای درمان، اما اصل این است که تلاشی صورت گیرد تا اصولاً دردی پدید نیاید و نسل در سایه تربیت خانه و مدرسه، در برابر هجوم‌ها واکسینه شود. در این راه اقدامات و تلاشهایی سازنده‌اند که اهم آنها عبارتند از:

۱- توصیه به تشکیل خانواده به صورت امری هدفدار، با تکیه بر سادگی و سهل‌گیری در مراسم که این مورد خواست اسلام است و تسوجه به سیره و سنت در این عرصه راهگشا است.

۲- تکیه بر قداست و تحکیم خانواده از طریق تأمین امنیت آن، آموزش و پرورش زوجین، قبل و بعد از ازدواج از سوی مسؤولان سازمان‌های تبلیغی، ارشادی و تربیتی.

۳- پاکسازی محیط و حذف عوامل تزلزل خانواده از سوی دولت، ملت و تعطیل مجامع و مراکز فساد و فاسد به صورت امری وظیفی و جدی.

۴- تسوجه دادن والدین به حقوق و مسؤولیت‌ها در خانواده، از حقوق زن، شوهر، فرزندان و والدین که بخشی مهم از حقوق، موجب سازندگی و بازسازی اعضای خانواده است.

۵- تکیه بر سازندگی فکری مادران و حمایت از آنها که به فرموده پیامبر(ص)، مادران

که خطایی در شرف تکوین است.
- تذکرها و یادآوری مکرر در جهت واداشتن افراد در تعقیب خط روشن زندگی.

- بازخواست‌ها از این امر که چرا به تذکرات والدین و ناصحان گوش فرانداخته است.

- تحکیم‌ها، به صورت واداشتن به انجام یک کار و یا بازداشتن از اجرای عملی دیگر.

- اخطارها و توجه دادن افراد به عوارض و خطرهایی که او را تعقیب می‌کنند.

- تویخ‌ها در موارد تکرار عمل ناصواب و احياناً لغزش و انحراف.

- ملامت و سرزنش در مواردی که فرد بی‌عنایت به تذکرات اصلاحی همچنان به پیش می‌رود.

- قهرها و بریدن پیوند عاطفی به صورت موقت در آن‌گاه که قهر می‌تواند هشدار



دهنده، بازگشت دهنده و یا بازدارنده باشد.
- تهدیدها به صور گوناگون، با توجه به

- معرفی اصول و مبانی مذهب و اخلاق
 برای تفهیم و آموزش خانواده ها و نسل جوان.
 - حل و رفع مشکلات نسل جوان در زمینه
 فهم نظام سیاسی و توجیه حرکتها و مشی های
 سیاسی موجود و ضرورت های نظام، که این خود
 در مواردی برای نسل قابل فهم و توجیه نیست.
 - حل و تعدیل مسائل اقتصادی در جامعه و
 زمینه سازی برای داشتن جامعه ای با فاصله
 طبقاتی اندک و امکان شرافتمندانه زیستن و
 احساس امنیت در آن.
 - گسترش و توسعه نظارت اجتماعی به
 عنوان یک وظیفه اسلامی و اجتماعی و حتی
 ملی، و واداشتن و تربیت افراد برای امر به
 معروف، نهی از منکر و وعظ و نصیحت.
 - تعیین خطی روشن از فرهنگ و تعیین
 خطوط سبز و قرمز آن بویژه در ادبیات، آداب و
 رسوم، هنر و ارزشها که سردرگمی فرهنگی،
 ویرانی آفرین است.
 - آموزش نوع روابط حاکم در جامعه و
 شیوه های معاشرت مجاز و چگونگی آمد و شد
 و ارتباطات در جامعه و مراقبت از آن.
 - اصلاح نظام تبلیغاتی و قرارداد آن در خط
 واحد، به گونه ای که اجرای یک شیوه، خنثی
 کننده دیگری نباشد.
 - مبارزه با فساد و فاسد و تعطیل مراکز آن، و
 محاکمه و کیفردهی به مفسدین.
 - و....
 و در نهایت متذکر می شویم: مادام که این
 امور اصلاح و حل نگردند، امکان داشتن نسلی
 شریف و پاک میسر نخواهد بود. و البته این امر
 نیاز به برنامه ریزی اندیشیده و وسیع با
 دست اندرکاری همه مسؤولان موظف دارد.
 والسلام

نسل بهشتی آفرینند و کمبود اساسی جامعه،
 مادران تربیت شده است و خلاء آن در بسیاری
 از جوامع و از جمله جامعه ما کاملاً مشهود
 می باشد.

۶- زمینه سازی برای افزایش ساعات توقف
 والدین، مخصوصاً مادران در خانه و خانواده و
 برنامه داشتن در امر سازندگی و اصلاح نسل،
 که این اقدام از جهتی در ارتباط با جنبه های
 اقتصادی است و گاهی نیاز به کار اضافی برای
 گرداندن چرخ اقتصاد خانواده، آن را خنثی
 می کند.

۷- آموزش والدین در واداشتن نسل به
 کارهای فرهنگی و دینی در خانواده که آن خود
 راه و برنامه ریزی ویژه ای است و در همه حال
 آموزش لازم دارد.

۸- توجه دادن والدین و مریبان به اتخاذ
 موضعی اندیشیده در برابر فرهنگ، که آن
 شامل چهار مسأله است: شناخت فرهنگ،
 ارزیابی فرهنگ، بازسازی، اصلاح و انطباق آن
 با موازین اسلامی، اجرا، گسترش و تثبیت آن
 در جامعه.

۹- توجه دادن والدین به اصلاح و ارزیابی
 دیدگاهها و نظریات دینی، تربیتی و اخلاقی که
 گاهی ذهن ها پر از موهومات، پندارهای غلط و
 نآزموده به اسم اسلام است.

۱۰- توجه دادن نسل به اهداف تربیت،
 فلسفه حیات، راه و رسم تربیت، خصایص
 مراحل و مقاطع عمر، انتظارات اسلام از
 محصول و ثمره تربیت و ...

اقدامات جنبی

در جنب اقدامات فوق، دستگاه تربیتی
 کشور موظف به انجام موارد زیر است: